فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره 1، پاییز 1391، پیاپی 1
صفحات 54-39

اقتصاد فضا و توسعه روستایی(مورد: ناحیه شفت)

حسن افراخته*، استاد دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی

دریافت مقاله: 1390/12/8 پذیرش نهایی:1391/3/23

چکیده
به رغم تلاش‌های بسیار، روستاهای ایران از نظر توسعه‌ای جامع با چالش‌هایی مواجه‌اند. الگوی مکانی یک اقتصاد (همانند توزیع و محل فعالیت‌های تشکیل دهنده آن) و جریان‌های فضایی مانند حرکت جمعیت، کالا، خدمات و سرمایه، اقتصاد فضا نامیده می‌شود که سطح توسعه مراکز سکونتگاهی، اعم از شهر، روستا ومجاری ارتباطی آنها را تحت تأثیر قرارمی‌دهد. هدف اصلی مقاله آن است که نقش اقتصاد فضا را در توسعه روستایی بررسی کند. ناحیه مورد مطالعه تحقیق ناحیه شفت و روستاهای آن در استان گیلان است. مشاهده مستقیم، مصاحبه با مردم محلی و تکمیل پرسشنامه اصلی‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس آمار استنباطی (مدل تاپسیس و تحلیل عاملی و رگرسیون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان داده است که در یک نظام اجتماعی - اقتصادی متمرکز، توزیع فعالیت‌های اقتصادی غیرمتوازن است. نحوه آرایش فضایی فعالیت‌های اقتصادی، تعیین کننده اصلی حرکت جمعیت، سرمایه، کالا و خدمات است که درنهایت توسعه ناحیه، گره‌های شهری و روستایی و شبکه ارتباطی آنها را متأثر می‌سازد؛ این به نوبه خود، کیفیت توسعه روستایی را معین می‌کند.

کلمات کلیدی: اقتصاد فضا، توسعه روستایی، شبکه منطقه‌ای، ناحیه شفت.

* نویسنده مسئول: 09126437139 :E-mail:afrakhteh@tmu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) طرح مسأله

روستاها دارای ابعاد مختلفی هستند که جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی توجه به تمامی ابعاد محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی،کالبدی و نهادی- مدیریتی از ضروریات و الزامات است. بعد از انقلاب اسلامی، فعالیت‌های توسعه‌ای کم نظیری در نواحی روستایی ایران انجام گرفته است، در بخش بهداشت، آموزش، مسکن، زیرساخت‌ها و منابع آب و خاک سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی توسط نهادهای مختلفی به عمل آمده است. یکی از این نهادها بنیاد مسکن است که از بدو تأسیس، فعالیت‌ها و اقدامات گوناگونی در دستور کار خود قرار داده و به موفقیت‌هاییرسیده است. اما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، به دلیل عدم وجود ساز و کارهای مناسب و ضعف هماهنگی فی‌مابین دستگاه‌های ذیربط و مهمتر از همه نگرش بخشی حاکم بر برنامه و مانندآن، هنوز مسایلی پابرجاست(بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،1391: 17-18)و همچنان روستاهای کشوراز نظر دستیابی به توسعه‌ای متناسب با چالش‌هایی مواجه‌اندکه توفیق برنامه‌ریزی‌ها و مقبولیت راهبردهای توسعه‌ای اعمال شده را با تردید مواجه کرده است.

گیلان با استعدادها و منابع طبیعی گسترده و غنی مانند آب فراوان،جنگل‌ها، مراتع، همجواری با دریای خزر و کشورهای آسیای میانه و قفقاز در مقایسه با سایر مناطق کشور بهره چندانی از مواهب توسعه ملی نبرده و به رغم تلاش-های عمرانی انجام شده هنوز سازمان فضایی آن دارای تنگناهای اساسی می‌باشد که پراکندگی و کوچک بودن سکونتگاه‌های روستایی و محرومیت آنها از جمله نتایج آن است(مهدوی و دیگران،1384: 187-188).

الگوی مکانی فعالیت‌های تشکیل‌دهنده یک اقتصاد، اقتصاد فضا نامیده می‌شود(سیف‌الدینی،1390: 372). نحوه آرایش مکانی فعالیت‌های اقتصادی در فضا، سطح توسعه مراکز سکونتگاهی، اعم از شهر، روستا ومجاری ارتباطی آنها را تحت تأثیر قرارمی‌دهد. به همین جهت، اقتصاد ناحیه‌ای، مقیاس وسیع‌تری را نسبت به یک شهرمجزا و حوزه پیرامونش پوشش می‌دهد و شهر و روستا در طول فضا نظیر جریان افراد، کالاها،پول و سرمایه، اطلاعات و مواد زائد با هم تعامل دارند(سعیدیو تقی‌زاده، 1390: 217).

هدف اصلی مقاله حاضر آن است که نقش اقتصاد فضا را در توسعه روستایی بررسی کند؛ این کار با تکیه بر مطالعه موردی ناحیه شفت در استان گیلان انجام می‌شود. پرسش اساسی تحقیق آن بوده است که ناحیه شفت چه جایگاه و سهمی از نظر پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی در کل ناحیه گیلان دارد، و این موقعیت چه اثری در توسعه روستاهای شفت داشته است؟

با توجه به تأکید برنامه پنجم توسعه کشور بر توسعه متعادل و متوازن نواحی، نتیجه مقاله می‌تواند مورد استفاده متولیان برنامه‌ریزی توسعه قرار گیرد و توجیه‌گر اهمیت تحقیق باشد.

2) مبانی نظری

اقتصاد فضا، در فرهنگ به توزیع فضایی ومحل فعالیت اجزای یک اقتصاد و جریان فضایی کالاو جمعیت اطلاق می-شود (Small and Witherick,1990:213). اقتصاد فضا به الگوی مکانی یک اقتصاد همانند توزیع و محل فعالیت‌های تشکیل‌دهنده آن و جریان‌های مکانی که بخش اساسی آن اقتصاد را تشکیل می‌دهند، مانند روند کالا به مقصد مصرف-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کنندگان، حرکت مصرف‌کنندگان به مکان‌های مرکزی و جریان فرآورده‌های زراعی به سوی بازارها اطلاق می‌شود(سیف-الدینی،1390: 372). ساختار فضایی یک اقتصاد، اقتصاد فضا نامیده می‌شود. این واژه توسط جغرافیدانان به مثابه الگوی فضایی فعالیت‌های اقتصادی در تشریح چشم‌انداز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف ناحیه‌ای، ملی و بین‌المللی به کار می-رود که با پیکربندی خاص منابع و تولیدات خاص و نقل و انتقال تکنولوژی‌ها مطابقت دارد. از نظر ایزارد[1] تئوری اقتصاد فضا به آرایش فضایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به توزیع جغرافیایی داده‌ها و نهاده‌ها و تغییرات هزینه و قیمت می-پردازد(Johnston et al., 1998:575-576). ایزارد علل بررسی اقتصاد منطقه‌ای را در ارتباط با فضا و مکان غفلت نظریه-های کلاسیکی و نئوکلاسیکی در این حوزه می‌داند. نقش ابعاد فضایی در تحلیل‌های اقتصاد منطقه به حدی اهمیت دارد که مارک بلاک[2] به نقل از ایزارد می‌گوید: "اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک گویا بنگاه را در سرزمین خیالی که در آن مسأله‌ای به نام مکان وجود ندارد، مستقر کرده و بدین ترتیب، مسایل مربوط به هزینه‌های حمل و نقل ودسترسی به بازارهای فروش اساساً نادیده گرفته شده‌اند(بانوئی و بزازان، 1385: 89-114).

در تحلیل اقتصادی- اجتماعی، فضا به منزله متغیری استراتژیک در نظر گرفته می‌شود. جریان غالب اقتصاد اذعان دارد که فضاهای مختلف از منابع خدادادی مادی و انسانی مختلفی برخوردارند. این تفاوت‌ها، فرصت‌هایی برای تخصیص جغرافیایی بر طبق مزیت نسبی پدید آورده و مبنای تجارت بین منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. از نظر اقتصادی تفاوت‌های مزبور مستلزم وجود فاصله میان فضاهاست.

بنابراین، هزینه‌های حمل و نقل و تحرّک محدود باید در هر تحلیلی به حساب آید. از آنجایی که نیروی انسانی و منابع به طور متوازن در فضا منتشر نمی‌شوند، یک سری تصمیم‌ها و انتخاب‌ها باید در خصوص تعیین مکان و وقوع فعالیت‌های اقتصادی اتخاذ شود. نزدیکی به بازارها (مردم) و به منابع، هزینه‌های تولید، و هزینه‌های حمل و نقل مواردی هستند که باید در این تصمیمات مورد توجه قرار گیرند. دسترسی به اطلاعات و اختراعات هم اخیراً به این لیست اضافه شده است. از مجموعه این تصمیم‌ها، مکانیابی صنعت و سایر فعالیت‌های اقتصادی و از این رو استقرار جمعیت، مکان‌یابی و اندازه شهرها و سلسله مراتب شهری تعیین خواهد شد(هیگینز و ساویه، 1388:15-16).

از نظر پیترهاگت سکونتگاه‌ها مانند شبکه به هم متصل هستند؛ زیرا جریان‌های فضایی بین روستاها و شهرها، یک نظام شبکه‌ای در ناحیه ایجاد می‌کند که حاصل کنش‌های متقابل سکونتگاهی است. شکل شبکه و الگوی جریان‌های فضایی بر اساس حرکت پول، کالا و افراد می‌باشد که بر پایه شش اصل حرکت، مجاری، گره‌ها، سلسله مراتب، سطوح و پراکنش قرار دارد. این عناصر، عوامل شکل‌گیری شبکه هستند که در شکل‌دهی به جریان‌های فضایی در ناحیه نقش بارزی دارند و سبب تفاوت‌های فضایی با توجه به ویژگی‌ها و نوع شبکه‌های سکونتگاهی می‌شوند (جانستون،1374: 31-33).

---

1. Isard
2. Block

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

اصول نظریه شبکه منطقه‌ای مبتنی بر ارائه ماهیت و دامنه وابستگی سکونتگاه‌ها به یکدیگر است. زیرا چه در سطح ناحیه‌ای و چه فراناحیه‌ای، سکونتگاه‌ها با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. این ارتباط به صورت سلسله مراتبی بر اساس تنوع کارکردی شهرها و دامنه نیاز سکونتگاه‌های روستایی است. هدف این نظریه دستیابی به توسعه ناحیه‌ای-روستایی است، به صورتی که قالب نوینی از توسعه فضایی ارائه می‌کند که در سیاست‌گذاری باید مد نظر قرار گیرد. از نظر داگلاس مدل‌های فضایی و فرآیندهای توسعه تمرکز بیشتری روی گره‌های شهری داشته‌اند و نواحی روستایی در سایه قرار گرفته‌اند. بنابراین باید متغیرهای محلی در پیوندهای روستایی- شهری به منظور تشخیص اجزای نظام فضایی ناحیه به کار گرفته شود. این نظریه، جریان‌های روستایی-شهری مختلف را در سطح محلی در ارتباط فضایی-بخشی ارائه می‌کند. مفهوم شبکه از نظر داگلاس، مبتنی بر مجموعه‌ای از سکونتگاه‌هاست که با یکدیکر روابط مرکز-پیرامونی دارند(Douglass, 1998:12-15).

داگلاس نظریه خویش را دربرابر مدل قطب رشد قرار می‌دهد؛ به صورتی که تفاوت عمده‌ای بین پارادایم قطب رشد و مدل شبکه منطقه‌ای وجود دارد که بر نوع برنامه‌ریزی‌ها تأثیرگذار است. در مدل قطب رشد، گره شهری[3] بازیگر عمده فضایی[4] است به طوری که تدارک زیرساخت‌های اقتصادی در ناحیه برای صنعت شهری و پیوندهای فضایی وابسته به آن صورت می‌گیرد؛ در حالی که ماهیت چندبخشی[5] مدل شبکه‌ای تعداد زیادی از فعالیت‌های مرتبط را در ارتباط فضایی در سکونتگاه‌های مختلف روستایی و شهری ناحیه ایجاد می‌نماید. در این راستا بین پارادایم شهرهای ثانویه راندینلی(Rondinelli,1983:118-120) و مدل شبکه ناحیه‌ای داگلاس مطابقتی وجود دارد.

نظریه داگلاس با حقایق یک ناحیه، انطباق دارد که به صورت نظری-ادراکی با "دیدگاه شبکه‌ای حوزه‌ای"[6] جریان-های فضایی سکونتگاهی را با تأکید بر شهر و روستا تبیین می‌کند(Adell,1999:23). این پارادایم بر مشکلات دیدگاهی-ادراکی رایج در برنامه‌ریزی غلبه می‌نماید. زیرا رویه برنامه‌ریزان ناحیه‌ای منفک‌انگاری برنامه‌ریزی شهری و روستایی بوده است. که شهر از حوزه پیرامونی، به صورت مجزا در نظر گرفته می‌شود. در این نظریه، توسعه ناحیه‌ای از طریق پیوندهای روستایی-شهری در سطح محلی حاصل می‌گردد. رویکرد شبکه منطقه‌ای مبتنی بر یک نظام تمرکززدا در برنامه‌ریزی است به صورتی که بر پویایی پیوندهای روستایی- شهری تأکید دارد.

این راهبرد بسیاری از نظریه‌های قبلی را که بر اساس نقش قاطع کانون‌های شهری در توسعه ناحیه‌ای طراحی شده بودند، به چالش می‌کشاند. نظریه‌های مزبور بر پایه مدل انتشار (توزیع) از مرکز و مدل‌های مبتنی بر سیستم شهری بوده‌اند که در سیاست‌گذاری‌ها به عنوان نگرش غالب مطرح گردیدند. ولی ویژگی مدل شبکه منطقه‌ای رویکرد چندجانبه

---

[3].Urban Node

[4].All Important Spatial Actor

[5].Multi Sectoral Nature

[6].Network-Cluster Idea

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آن به سوی ناحیه‌ای است که مبتنی بر پیوستگی توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس محلی است(Douglass, 1998: 13-14).

ویژگی‌های این پارادایم در جدول (1) ارائه شده است؛ بر اساس این جدول، رویکرد شبکه منطقه‌ای، ماهیت چندبخشی توسعه را در ناحیه روستایی در نظر گرفته و نقش منابع محلی- روستایی را در توسعه محلی تقویت می-کند.شبکه ناحیه‌ای، منابع متنوعی را برای رشد اقتصادی عرضه می‌کند که هیچکدام بر پایه منابع شهری نیستند و در این راستا تأکید بر بکارگیری منابع محلی در روند توسعه است. مثلاً در این نظریه تأکید بر قرارگیری صنایع جعبه‌سازی وصنایع وابسته به کشاورزی در نزدیک اراضی کشاورزی یا در طول راههای حمل و نقل در ناحیه است در حالی که در سایر نظریه‌ها پیشنهاد گردیده که این صنایع و خدمات باید در شهرها قرار گیرد. مفهوم شبکه منطقه‌ای نشان می‌دهد که برخلاف دیگر نظریه‌ها اندازه شهر، شاخص مناسبی برای سنجش پیوندهای محلی یا توان‌های رشد نیست؛ زیرا شهرها با اندازه یکسان، کارکردهای بسیار متفاوتی دارند.

این نظریه مبتنی بر حوزه‌ای از سکونتگاه‌هاست که هریک تخصص‌های ویژه‌ای دارند و روابط پیرامونی، حوزه‌ای آنها به صورت محلی است. بدین طریق شهرهای کوچک در نواحی کشاورزی به عنوان مراکز بازاریابی[7] محصولات مطرح هستند. رویکرد شبکه منطقه‌ای، گسترش سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی را پیشنهاد می‌کند که به افزایش درآمد کشاورزی منجر شود.

ماهیت چندبخشی-کارکردی مفهوم حوزه‌های فضایی، نیازمند ظرفیت‌سازی محلی برای تعداد زیادی از فعالیت‌های مرتبط و متقابل در هر کدام از سکونتگاه‌هاست؛ به صورتی که مرزهای ناحیه با مرزهای برنامه‌ریزی کاملاً مطابقت داشته باشد. مفهوم شبکه منطقه‌ای، گسترش زیرساخت‌های روستایی همانند کانون‌های شهری را ضروری می‌داند. بنابراین تأکید زیادی بر گسترش راه‌های محلی و پیوندهای حمل و نقل بین مراکز عمده روستایی و شهری در ناحیه دارد. در این راستا، فراهم نمودن آب لوله‌کشی، برق، فاضلاب مدارس و بهبود خدمات بهداشتی برای روستاها نباید به عنوان هدف عمده در برنامه‌ریزی مد نظر قرار گیرد؛ هر چند ایجاد ساختارهای فیزیکی برای ارتقای کیفیت زندگی در پایداری رشد اقتصادی الزامی است ولی تقویت و گسترش کارکردها نقش ویژه‌ای در توسعه دارد(Douglass,1998:11-13). در پارادایم جدید توسعه، نواحی روستایی بایدبه دو شبکه عمودی (ارتباط فضاهای روستایی در بخش کشاورزی و مواد غذایی)وشبکه افقی(ارتباط فضاهای روستایی در بخش کلی‌تر و روندهای غیرکشاورزی تغییرات اقتصادی) توجه کرده و خط‌مشی‌های روستایی را در شرایط شبکه قالب‌بندی نمایند(Murdoch,2000).

مقاله حاضر با تکیه بر دیدگاه مزبور و استفاده از راهبرد شبکه منطقه‌ای، نقش اقتصاد فضا رادر توسعه روستایی ناحیه شفت در استان گیلان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

[7].Marketing Center

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول 1) ویژگی‌های شبکه منطقه‌ای

اجزاء	ویژگی
بخش پایه	همه بخش‌ها وابسته به ویژگی‌های ناحیه محلی است. تأکید بر واسطه‌های محلی– ناحیه‌ای است که جریان‌ها و کنش-ها را شکل می‌دهند.
سیستم شهری	افقی، ترکیب یافته از مراکز و نواحی پیرامونی آنها که هر کدام دارای تخصص و امتیازات رقابتی هستند.
روابط روستایی- شهری	روابط متقابل روستایی-شهری با زمینه رشد نواحی روستایی و شهری و گسترش کریدورهای ناحیه‌ای میان سکونتگاه-ها (در نتیجه گسترش جریان‌های متقابل سکونتگاهی)
سبک برنامه‌ریزی	سیستم‌های برنامه‌ریزی تمرکززدا با همبستگی و پیوستگی فعالیت‌های شهری و روستایی و چندبخشی در سطح محلی.
نواحی سیاست‌گذاری عمده	مراکز مختلف کشاورزی، مراکز صنعتی مبتنی بر منابع پایه کشاورزی–خدمات شهری، شبکه‌های حمل و نقل میان سکونتگاه‌ها در سطح محلی

منبع: Douglass,1998:11-13

3) مواد و روش‌ها

در این تحقیق به دلیل فقدان اطلاعات در سطح نواحی جغرافیایی، استان به عنوان ناحیه و شهرستان‌ها به مثابه زیر نواحی تلقی شده است. جامعه آماری تحقیق را ناحیه گیلان تشکیل می‌دهد که از نظر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی برحسب زیر نواحی مورد بررسی قرار گرفته است. اما تحقیق، تمرکز ویژه‌ای روی ناحیه (شهر و روستاها) شفت داشته است.

ابتدا جایگاه زیرناحیه شفت در کل ناحیه گیلان از نظر پراکندگی فعالیت های اقتصادی بررسی شده است. آنگاه سطح توسعه زیرنواحی گیلان محاسبه شده است. سپس ضریب همبستگی بین امتیاز فعالیت اقتصادی و ضریب توسعه زیرنواحی بررسی شده است.

روستاهای شفت به عنوان روستاهای مورد مطالعه تحقیق، از نظر ارتفاع و معیشت غالب، به دو تیپ کوهستانی(بالاتر از 200 متر) و تیپ جلگه‌ای (کمتر از 200متر)، تفکیک، و روستاهای نمونه هر تیپ و در مجموع 8 روستای نمونه مشخص شده است و بر اساس روش کوکران و کل خانوارهای روستاهای نمونه(1600 خانوار)، 210 خانوار به عنوان خانوارهای نمونه تعیین شده، تعداد خانوارهای نمونه هر روستا متناسب با تعداد کل خانوارآن روستا و انتخاب آنها به صورت تصادفی بوده است. در نهایت با مراجعه مستقیم به خانوارهای نمونه پرسشنامه تحقیق تکمیل شده است. شکل1، موقعت ناحیه مورد مطالعه و روستاهای نمونه تحقیق را نشان می‌دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

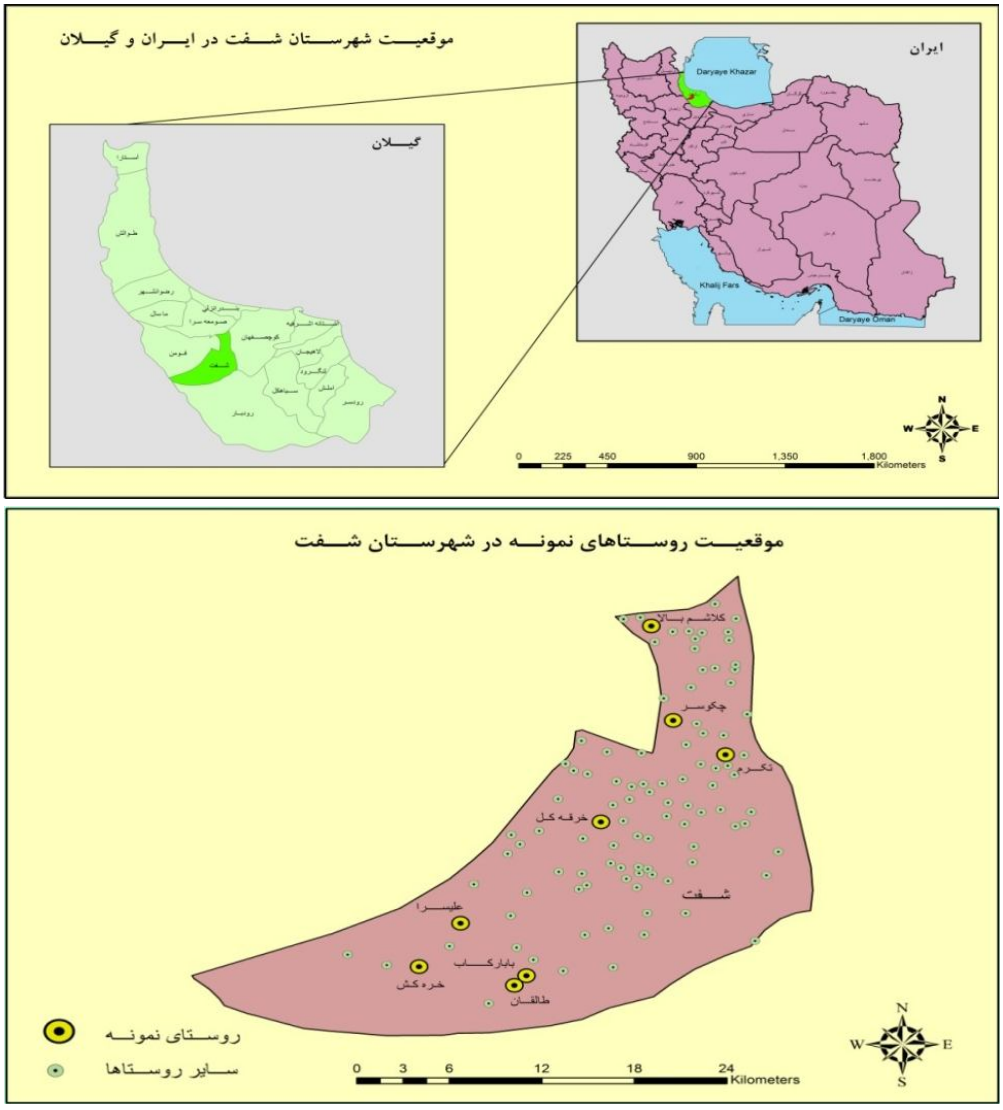

شکل 1) موقعیت ناحیه مورد مطالعه و روستاهای نمونه تحقیق

روایی پرسشنامه از طریق اعتبار محتوی و با استفاده از نظر همکاران دانشگاهی و دانشجویان دکتری آزمون شده و اصلاحات لازم در پرسشنامه اعمال گردید. در تعیین پایایی پرسشنامه از روش تنصیف(Split Half Method) استفاده شده است؛ ضریب همبستگی برابر 0.68 و قابلیت اعتماد کل با استفاده از معادله اسپیرمن- براون 0.809 محاسبه شده است. در تعیین جایگاه ناحیه شفت از نظر پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی در 7 بعد و متغیرهای تعیین کننده پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی استفاده شده است (جدول2). متغیرهای مزبور بر اساس تحلیل عاملی بررسی و جایگاه ناحیه شفت در اقتصاد ناحیه‌ای گیلان مشخص شده است. سطح توسعه نواحی با استفاده از 17متغیر در دو بعد اقتصادی، اجتماعی و رفاهی (جدول 3) و روش تاپسیس به دست آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول 2) متغیرهای تعیین کننده پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی ناحیه گیلان

فعالیت اقتصادی	متغیر
کشاورزی	سرانه سطح زیر کشت آبی- میزان اراضی تجهیز و نوسازی شده - تعداد ماشین آلات کشاورزی- تعداد مراکز خدمات روستایی- میزان سطح زیر کشت دوم در شالیزار- میزان تولید گوشت قرمز- میزان تولید گوشت مرغ- میزان تولید گوشت ماهی پرورشی- میزان تولید شیر
صنعت	تعداد پروانه‌های بهره‌برداری صادره- میزان سرمایه ثابت در واحدهای دارای پروانه بهره‌برداری- میزان اشتغال در واحدهای دارای پروانه بهره‌برداری- میزان برق مصرفی صنعتی- تعداد شاغلان صنایع دستی
عمران شهری	طول رودها و مسیل‌های بدنه‌سازی شده - طول معابر بهسازی شده- آب ورودی به شبکه- حجم مخازن آب آشامیدنی- مساحت فضای سبز هر شهر
عمران روستایی	طول راه‌های روستایی- تعداد مراکز دهستان‌های دارای طرح هادی اجرا شده
آموزش	تعداد دانش‌آموز ابتدایی، راهنمایی، متوسطه- تعداد نیروهای آموزشی فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر- تعداد دانش‌آموزان فنی حرفه‌ای و کشاورزی- تعداد کادر آموزشی- تعداد کل دانش‌آموزان
گردشگری	تعداد واحدهای پذیرایی بین‌راهی- ظرفیت واحدهای اقامتی
بهداشت	تعداد مراکز درمان بستری- تعداد تخت بیمارستانی نسبت به جمعیت- تعداد آزمایشگاه- تعداد پزشک شاغل در بیمارستان‌های دولتی- تعداد دندانپزشک- تعداد داروساز- تعداد مراکز بهداشتی و درمانی روستاها- تعداد خانه‌های بهداشت

جدول3) متغیرهای تعیین سطح توسعه نواحی

ابعاد	متغیر
اقتصادی	عملکرد در هکتار برنج- سرانه اراضی کشاورزی برای هر نفر روستایی- نسبت ماشین آلات کشاورزی به کل اراضی زراعی و باغی- تعداد شاغلان صنایع دستی به جمعیت روستایی- نسبت کارگاههای صنایع دستی به جمعیت روستایی- نسبت جمعیت تحت پوشش توزیع آب آشامیدنی به کل جمعیت- نسبت راه آسفالته به کل راه روستایی- تعداد شاغلان بخش صنعتی- سرانه سرمایه گذاری ثابت صنعتی در شهرستان
اجتماعی و رفاهی	نرخ با سوادی شهری- نرخ با سوادی روستایی – نرخ با سوادی زنان- سرانه فضای فرهنگی- معکوس تعداد مرگ و میر نوزادان کمتر از یک سال در برابر هزار نفر تولد زنده- تعداد پزشک شاغل برای هر ده هزار نفر جمعیت – تعداد تخت بیمارستانی برای هر ده هزار نفر جمعیت- تعداد داروساز برای هر ده هزار نفر جمعیت

رابطه بین پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی و ضریب توسعه نواحی، از طریق آزمون رگرسیون بررسی شده است. در تعیین سطح توسعه روستاها با استفاده از چهار شاخص و 21 متغیرکه از طریق مطالعه محلی به دست آمده،روش تاپسیس مورد استفاده قرار گرفته است. جدول4 متغیرهای توسعه مورد استفاده در تعیین سطح توسعه روستاها را نشان می‌دهد.

جدول 4) متغیرهای تعیین سطح توسعه روستاها

ابعاد	متغیر
اقتصادی	درصد اشتغال - میزان متوسط درآمد ماهیانه خانوارها - درصد خانوارهای برخوردار از اتومبیل-درصد خانوارهای برخوردار از لباسشویی-درصد خانوارهای برخوردار از یخچال-درصد خانوارهای برخوردار از جاروبرقی-درصد خانوارهای برخوردار از آبگرمکن
اجتماعی	متوسط میزان سواد سرپرست خانوار-رضایت از دسترسی به آموزش ابتدایی-رضایت از دسترسی به آموزش راهنمایی-رضایت از دسترسی به آموزش دبیرستانی
رفاهی	دسترسی به بیمارستان- دسترسی به پزشک- دسترسی به داروخانه- دسترسی به بیمه درمانی- دسترسی به نانوایی محلی-دسترسی به ایاب و ذهاب شهری
محیط زیست	کیفیت مسکن با توجه به مصالح ساختمانی- نحوه دفع فاضلاب(امتیاز)- نحوه دفع فاضلاب توالت ها(امتیاز)- دسترسی به آب شرب بهداشتی (امتیاز)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

4) بحث و نتایج

با استفاده از متغیرهای تعیین‌کننده پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی و بر اساس روش تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی،5 عامل با کل واریانس 97.2 درصد و مقادیر ویژه بالاتر از 1 استخراج شده است. پس از انجام تجزیه و تحلیل عاملی و استخراج عوامل، با استفاده از ماتریس استاندارد بر حسب شهرستان، میانگین ارقام عاملی هر ناحیه که نشان-دهنده میزان برخورداری نسبی ناحیه بوده است، محاسبه شده است (حسینی و کاووسی،1383: 72). جدول5 امتیازات و رتبه‌بندی زیرنواحی گیلان را از نظر توزیع فضایی امکانات و تسهیلات فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی، صنعت، عمران شهری، عمران و نوسازی روستاها، امکانات وتسهیلات راه وترابری،آموزش، فرهنگ، هنر و گردشگری، بهداشت و تربیت بدنی نشان می‌دهد.

جدول 5) امتیازات و رتبه‌بندی زیرنواحی گیلان از نظر توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه

زیر نواحی	امتیاز فعالیت اقتصادی	رتبه	توسعه	رتبه
رشت	4.71	1	0.98	1
بندر انزلی	1.07	2	0.82	2
رودسر	0.99	3	0.81	3
رودبار	0.95	4	0.53	8
لاهیجان	0.88	5	0.79	4
آستانه اشرفیه	0.8	6	0.54	7
لنگرود	0.77	7	0.69	5
تالش	0.76	8	0.57	6
صومعه سرا	0.75	9	0.48	10
فومن	0.71	10	0.47	11
املش	0.66	11	0.43	12
آستارا	0.64	12	0.49	9
سیاهکل	0.61	13	0.33	14
رضوانشهر	0.59	14	0.35	13
شفت	0.57	15	0.22	15
ماسال	0.55	16	0.19	16

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، 1383: 31-78.

بر اساس داده‌های جدول5، ناحیه رشت به عنوان برخوردارترین ناحیه با امتیاز 4.71 در صدر و ناحیه شفت با امتیاز 0.57 در ردیف پانزدهم قرار داشته است که امتیاز آن حدود 12.1 درصد برخوردارترین ناحیه بوده است.

این الگوی توزیع فعالیت‌ها بیانگر الگوی توسعه نامتوازن است که با اولویت دادن به رشد برخی مناطق موجب تمرکز فعالیت‌های تولیدی در یک یا چند بخش و منطقه می‌شود. توسعه نامتوازن، توسعه نابرابر را بر اساس ناموزونی در رشد اقتصادی، میزان جمعیت، اشتغال، درآمد، منابع، امکانات و تسهیلات رفاهی در قلمروها و مقیاس‌های شهری تا بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد(Christophers,2009:12).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شفت به عنوان بخشی از ناحیه تاریخی فومنات تا سال 980 هجری مرکزیت "بیه‌پس" را عهـده‌دار بـوده و در مقابـل "بیه‌پیش" با مرکزیت لاهیجان قرار داشت. اما از این سال به بعد جمشید سلطان مرکز حکومت خـود را بـه شـهر رشـت منتقل کرد و فومن از اهمیت و اعتبار پیشین افتاد(رابینو،1355: 181). زیرا شهر رشت دارای موقعیت مرکـزی بـود و در فاصله‌ای تقریباً برابر از مرزهای روسیه و حریمایالت مازندران قرار داشت و تنها شش شبانه روز راه کاروانرو آنرا از قـزوین، عمده‌ترین انبار کالا در سراسر ایران،جدا می‌کرد. از سوی دیگر فاصله‌اش تا پیربازار، که خود توسط یک راه آبـی مناسـب با خلیج انزلی در ارتباط بود، حدود یک و نیم ساعت بود و از این طریق رشت با تمامی بنادر دریای خزر مـرتبط مـی‌شـد (خودزکو، 1354: 12) و از لحاظ بازرگانی موقعیت ممتازی داشت که به توسعه و رشد شهر کمـک کـرد. بعـد از آن نیـز ساختار سیاسی و راهبردهای توسعه تمرکزگرا در ایران، سبب تمرکزفضایی درآمدهای دولتی، صنایع، تجـارت و جمعیـت در یک یا چند مکان معین شده است. این جریان به نوبه خود زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای و نابرابری در شـرایط زنـدگی در پهنه سرزمین ایران را فراهم آورده است. به علاوه صرف بیشتر عواید ناشی از صدور نفت بـه مرکزیـت سیاسـی، اداری کشور یعنی تهران و شهرهای بزرگ، طی یک زمان به نسبت طولانی مزیت‌ها و برتـری‌هـای نسـبی گونـاگونی بـه دلیـل صرفه‌جویی‌های ناشی از تراکم و تمرکز ایجاد کرده که هم مانعی در سر راه موفقیت قابل توجه سیاست‌های تمرکززدایـی دولت‌ها بوده و هم بر دامنه نابرابری بین مناطق افزوده است (افراخته و دیگران؛ 1390). این یافته با نتایج دیگر تحقیقات نیز تأیید می‌شود که به وجود نابرابری ناحیه‌ای، در سطح کل استانهای ایران و همچنـین نـابرابری درون نـواحی قبـل از انقلاب(Sharbatgholi,1991:118-134) و نیز بعد از آنتأکید کرده‌اند (Lotfi, et al., 2011:62-69).

بر اساس داده‌های آزمون رگرسیون، بین امتیاز پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی و ضریب توسعه نواحی، ارتباط معنـی-دار با ضریب همبستگی (R=0.614) و ضریب معناداری (Sig=0.00) برقـرار اسـت کـه بیـانگر نقـش انکارناپـذیر توزیـع فعالیت‌های اقتصادی و سطح توسعه نواحی است. برخلاف تعاریف مبتنی بر پایه جدایی سکونتگاه‌های شـهری و روسـتایی نمی‌توان زندگی و معیشت ساکنان این دو نوع کانون زیستی را از هـم تفکیـک کـرد. زیـرا کـانون‌هـای شـهری از لحـاظ فضایی-کارکردی در سطح نواحی،قاعدتاً عرصه‌ای به مراتب فراتر از"بخش ساخته شده و فیزیکی" خود را در بر می‌گیرند (سعیدی، 1389: 99-124).

این مسأله با توجه به سطح توسعه روستاهای نمونه نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. جدول6 ضریب سطح توسعه و رتبـه روستاهای نمونه را نشان می‌دهد که با استفاده از چهار شاخص و 21 متغیر (جـدول 4) و تجزیـه و تحلیـل تاپسـیس بـه دست آمده است. بر اساس ضرایب محاسبه شده، سطح توسعه‌یافتگی روستاها پایین است. متوسط ضریب توسـعه‌یـافتگی روستاها 0.44 می‌باشد. ضریب توسعه 62.5 درصد روستاها کمتر از 0.5 می‌باشد و این نتایج با نتایج بـه دسـت آمـده در سند توسعه شهرستان شفت توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مطابقت دارد کـه در آن عـواملی چـون تخریـب جنگل، کوچک بودن قطعات بهره‌برداری و پایین بودن عملکرد در واحد سطح و دانـش فنـی بهـره‌بـرداران، پـایین بـودن میزان مشارکت بخش غیردولتی در فعالیت‌های خدماتی، نرخ بالای مهـاجرت، بـالا بـودن بـار تکفـل، نبـود تناسـب بـین زیرساخت‌های اشتغال و جمعیت شهرستان، فرار سرمایه (تجار)، بالا بـودن میـزان پـرت منـابع آب بـه دلیـل اسـتفاده از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روش‌های سنتی آبیاری، عدم تناسب ظرفیت جاده‌ها، وجود پروژه‌های نیمه تمام متعدد در زمینه توسعه و بهسازی شبکه راههای روستایی، فرسودگی ناوگان عمومی حمل و نقل، برخوردار نبودن درصد قابل ملاحظه‌ای از روستاها ازآب آشامیدنی سالم، کمبود و فرسوده بودن فضاهای آموزشی، ضعف و کمبود خدمات پزشکی و ضعف سیستم خدماتی به عنوان مهمترین تنگناها و محدودیت‌های توسعه ناحیه معرفی شده است(سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، 1384: 21-24).

جدول 6) ضریب و رتبه سطح توسعه روستاها در ابعاد چهارگانه اقتصادی،اجتماعی، رفاهی و محیط زیستی

نام روستا	ضریب توسعه	رتبه
علیسرا	0.18	6
کلاشم	0.78	3
چکوسر	0.89	1
بابارکاب	0.06	8
طالقان	0.14	7
تکرم	0.84	2
خرکش	0.19	5
خرفکل	0.45	4

منبع: داده‌های پرسشنامه و تحلیل تاپسیس.

بین روستاهای نواحی مختلف نیز از نظر سطح توسعه تفاوت قابل توجهی وجود دارد و تفاوت ضریب توسعه بین برخوردارترین روستا (چکوسر)، واقع در بخش جلگه‌ای با محروم‌ترین روستا (بابارکاب) واقع در بخش کوهستانی برابر 0.83 می‌باشد و بیانگر آن است که در ناحیه، سطح توسعه روستاها برحسب موقعیت و دسترسیمتفاوت بوده و روستاهای کوهستانی و پایکوهی توسعه نیافته‌ترند. سکونتگاه‌های روستایی و شهری به طور متوازن و متعادلی توسعه نیافته‌اند. به عبارت دیگر گره‌های سکونتگاهی و مجاری ارتباطی بین آنها به شدت توسعه نیافته است؛ پراکندگی متوازن جمعیت و فعالیت در فضا و درنتیجه حرکت جمعیت،کالا و سرمایه در ناحیه بسیار نامتوازن می‌باشد و ناحیه در جذب و انباشت سرمایه و مازاد اقتصادی ناتوان است وآن را به مراکز شهری بالاتر انتقال داده وموجب حاشیه‌ای شدن سکونتگاه‌های ناحیه می‌شود.به عبارت دیگر، شهر مازاد استخراج شده را به سطوح بالاتر انتقال می‌دهدو شهر و منطقه را از انباشت سرمایه محروم می‌سازد. زیرا وجود یک فضای فرهنگ صنعتی و امنیت موجب جذب سرمایه در یک منطقه می‌شود. به گفته "هاروی"جریان سرمایه درجهان پر نقش و نگار تمایزات زیست-محیطی،سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در برخی نواحی آسانتر رسوب می‌کند(هاروی، 1998: 76). از طرفی در ایران منابع سرمایه‌ای حاصله از درآمدهای نفتی در چارچوب بودجه سالانه به مناطق اختصاص می‌یابد. بخشی از این منابع به صورت منابع هزینه عمرانی مستقیماً به سرمایه ثابت تبدیل و نقش مهمی در رشد و توسعه منطقه‌ای ایفا می‌کند. منابعی که از درآمدهای ملی برای هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری عمرانی در استان‌ها هزینه می‌شود، بیش از دوسوم کل بودجه کشور است. این منابع، مازادی است که دولت اغلب از فروش نفت تحصیل می‌کند و از طریق بودجه‌های استانی تخصیص می‌دهد. ولی بررسی مکانیزم‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

موثر در تخصیص این منابع نشان می‌دهد که این تخصیص‌ها تا حدود زیادی متضمن رعایت اصل اساسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای یعنی اختصاص سهم بیشتر به مناطق کمتر توسعه‌یافته نمی‌باشد(عظیمی، 1384: 63-64). به این طریق الگوی موجود پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی در ناحیه به زیان ناحیه شفت عمل کرده و روندهای انسانی، سرمایه‌ای و کالایی حاصل از آن به توسعه نیافتگی گره‌های شهری، مناطق روستایی و مجاری بین آنها منجر شده است. زیرا کشاورزی، صنایع و خدمات، در امر استقرار در فضا، مکان‌هایی مستقل از یکدیگر اختیار نمی‌کنند. بخش‌های یاد شده به وسیله جریان‌های دست‌مزدهای توزیع شده و خریدهای انجام یافته به یکدیگر وابسته‌اند. مشتریان خدمات عرضه شده را کارگران و کارکنانی تشکیل می‌دهند که در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و یا ادرات به کار مشغول هستند. به طوری که استقرار آنها در فضا، سرانجام وابسته به توزیع و پراکندگی موسسات صنعتی و یا اداری است. بنا بر این برد نهایی جابجایی‌ها و وزن کلی هزینه‌های ترابری و همچنین مسیرهایی که اطلاعات در جریان عمل اختیار می‌کنند، در تعیین انتظام عمومی حاکم بر فضا، دخالت مستقیم دارد(کلاوال،1373:112).

5) نتیجه‌گیری

در یک نظام اجتماعی، اقتصادی متمرکز، توزیع فعالیت‌های اقتصادی غیرمتوازن است. پراکندگی نامتوازن فعالیت‌های اقتصادی، سطح توسعه نواحی و اجزای آن، گره‌های سکونتگاهی (شهر و روستا) و مجاری ارتباطی بین آنها(راهها) را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. به این ترتیب نحوه آرایش فضایی فعالیت‌های اقتصادی، تعیین کننده سطح حرکت جمعیت، سرمایه، کالا و خدمات است که درنهایت توسعه ناحیه، گره‌ها و شبکه ارتباطی آنها را متأثر ساخته و سطح زندگی و معیشت روستایی را معین می‌کند. از این رو وجود یک شهر مرکزی، دریک فضای گسترده، نه تنها کمکی به توسعه ناحیه‌ای نمی‌کند، بلکه هزینه بیهوده بسیاری را تحمیل می‌نماید. توسعه متوازن روستایی متضمن توزیع متناسب فعالیت‌های اقتصادی به تبعیت از قوانین حرکت و انباشت سرمایه در فضای ناحیه می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

6) منابع

- افراخته،حسن،تاج‌الدین کرمی ورباب چگینی،(1390)، **"تحلیل فضایی حساب‌های منطقه‌ای با تأکید برمجموعه شـهری تهران"**، ارائه شده در یازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه شهید بهشتی، 24-25 شهریور 1390.
- بانوئی، علی‌اصغر وفاطمه بـزازان، (1385)،**نقش و اهمیت ابعاد اقتصاد فضا در محاسبه جداول داده-سـتانده منطقـه‌ای: پدیدهفراموش شده در ایران**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره 27، صص 89-114.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، (1391)،**نگاهی به فعالیت‌های عمران روستایی در برنامه چهـارم توسـعه**، معاونـت عمـران روستایی، تهران.
- جانستون، رونالد، (1374)، **جغرافیا و جغرافیدانان**، ترجمه: عباس سعیدی، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال دهم، شماره 39.
- حسینی، مهرداد و شرارهکاووسی،(1383)،**سطح‌بندی شهرستان‌های استان گیلان**، سازمان مدیریت و برنامـه‌ریـزی اسـتان گیلان، نشریه شماره366.
- خودزکو، الکساندر، (1354)،**سرزمین گیلان**، ترجمه: سیروس سهامی، چاپ اول، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- رابینو،ه.ل.،(1355)،**ولایات دارالمرز ایران**، ترجمه: جعفر خمامی‌زاده، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، (1384)،**سند توسعه شهرستان شفت**، نشریه شار 387.
- سعیدی، عباس، (1389)، **ناکارائی ساختاری- عملکردی نظام‌های فضـایی ناحیـه‌ای:مـورد، ناحیـه باغملـک(شـرق خوزستان)**، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستایی، نشر مینو، تهران.
- سعیدی، عباس وفاطمه تقی‌زاده، (1390)، **راهبرد شبکه منطقه‌ای، پیوندهای روسـتایی- شـهری وتوسـعه ناحیـه‌ای: بررسی تطبیقی نواحی باغملک و اردکان**، روابط و پیوندهای روستایی- شهری در ایران، نشر مینو، تهران، صص213-138.
- سیف‌الدینی،فرانک، (1390)،**زبان تخصصی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**،ویرایش دوم، نشر آییژ، تهران.
- عظیمی، ناصر، (1384)،**برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه**، نشر نیکا، مشهد.
- کلاوال،پل، (1373)،**جغرافیای نو**، ترجمه: سیروس سهامی، سازمان چاپ مشهد، مشهد.
- مهدوی،رضا، روزبه رحمانیان و ابراهیم درویش رحیم‌آبادی، (1384)، **بررسی سازمان فضایی استان گیلان**، سازمان مـدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، نشریه شماره415.
- هاروی، دیوید، (1998)،**جغرافیای قدرت طبقاتی، مانیفست پس از 150 سال**، ترجمه: حسن مرتضوی، نشر آگه، تهران.
- هیگینز،بنجامین ودونالد ساویه، (1388)، **نظریه‌های توسعه منطقه‌ای**، ترجمه: فاطمه بزازان، نشر نی، تهران.
- Adell, G., (1999),**Theories and Models of the per urban interface: a changing conceptual landscape**, University college London, the development planning unit.
- Christophers, B., (2009),**Uneven development**, International encyclopedia of human geography, Elsevier Radarweg 29, PO box 211, Oxford.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Douglass, M., (1998), **A regional Networks Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkage: an agenda for policy research with reference to Indonesia**, Third world planning review, Vol. 20, No. 1.
- Johnston, R.J., et al., (1998),**the dictionary of human geography**, Third Edition, Blackwell, Oxford.
- Lotfi, S., A. M. Faraji, K. Ziary andM. Mousavi, (2011),**Spatial analyze of regional disparities between central and border region of Iran**, Journal of advance in development research, No. 2(1), pp. 62-69.
- Murdoch. J., (2000),**network-a new paradigm of rural development**, Rural Studies, Elsevier, available online 28.
- Rondinelli, D.A., (1983),**Secondary cities in developing countries**, London, Inc.
- Sharbatgholi, A., (1991),**Urbanization and regional development in post revolutionary Iran**, Oxford, west view press: 118-134.
- Small., J. and M. Witherick, (1990),**A modern Dictionary of Geography**, Edward Arnold, London.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]